



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۱۰/۲۴

دکتور محمد ظاهر عزیز

آزادی، مساوات و وحدت در تنوع

قسمت دوم و آخر

دوم: تنوع فرهنگی مردم افغانستان:

مردم افغانستان، مانند سایر جوامع انسان ها حق دارند که در زندگی فرهنگی (فرهنگ به معنی کلی آن) اجتماع خود آزادانه شرکت نمایند، از مزایای فرهنگی بهره مند گردند و در پیشرفت های علمی و فایده های ناشی از آن سهم شوند. ضمناً مردم افغانستان حق دارند در حالی که در برنامه های انکشافی کشور شان سهم می گیرند، در نگهداری ارزش های فرهنگی خود نیز تأکید نمایند.

علاوئاً، توجه به تفاوت های فرهنگی در کشور ما، احترام و پذیرفتن آن، استفاده از تفاوت های فرهنگی برای توسعه اقتصادی، اعتلای دیموکراسی و حرمت به حقوق فرهنگی كافة مردم افغانستان، مسأله مهم و حیاتی است. در جهانی که زندگی داریم، باید بدانیم که شرط ضروری پیشرفت اقتصادی، توسعه و اعمار مجدد در رسیدن به ثروت بیشتر و توزیع عادلانه ثروت، احترام به فرهنگ های یکدیگر، در درون جامعه ما و همچنان آموزش حرمت گذاشتن به فرهنگ های دیگر مردم جهان است.

احترام متقابل تحقق نخواهد یافت مگر آنکه هریک از افراد جامعه ما، چه مرد و چه زن، امکان آنرا داشته باشد که بر اساس تاریخ، آداب و رسوم و دانش خود به شکوفایی فرهنگی واقعی نائل شود. برای تحقق این مدینه فاضله، پذیرفتن دو شرط اساسی لازم است:

الف: هر افغان باید بتواند بدون هیچگونه احساس گناه و بدون ترس از ممنوعیت های عنعنوی غیر معقول که ارزش انسانی و اسلامی ندارند، باور کند که به محل و فرهنگ خاص تعلق دارد. تحکیم شأن و منزلت انسانی هر فرد افغان، هر قدر هم که با دیگران متفاوت باشد مستلزم آن است که از طرف دیگران پذیرفته شده مورد احترام باشد. یعنی تمامی فرهنگ ها و شکل های بیان محترم شناخته شوند. تفاوت های جنسی (زن و مرد)، شکل، نژاد، زبان، لباس، روش زندگی و دیگر تنوع فرهنگی از شایستگی نیک و پربار هر جامعه انسانی و جامعه افغانستان است.

به اهتمام ولی احمد نوری

ب: در صورت پذیرفتن اصل احترام به داشتن حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی در کشور ما، همه افراد جامعه ما بهره‌مندی از فرهنگی که هویت خود را در آن می‌جویند و همچنان از فرهنگ ملی و تقدیر و تجلیل از آنها را خواهند داشت. این نوع طرز تفکر و دید ضامن پیشرفت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دیموکراسی ملی خواهد بود. در این صورت است که هیچ نوع تبعیض و تحقیر اجتماعی بر فرهنگ ما، نه در سطح محلات و نه در سطح کشور، اعمال نخواهد شد و ارتباط دو طرفه و شایسته و در خور انسان‌ها بین افراد جامعه ما، برقرار و تقویت خواهد شد. ضمناً برای مردم افغانستان فهم و دانشی میسر خواهد شد مبنی بر این که ما مانند سایر جوامع جهانی هم تنوع فرهنگی صاحب‌قدر داریم و هم در دفاع هویت فرهنگی ملی باید همکار، هم‌نظر و هم‌دست هستیم و مانند دیگر جوامع بشری در تکمیل و اعتلای شخصیت انسانی با آنها جد و جهد نموده، شریک می‌باشیم.

کشورهای چند فرهنگی و چند قومی، از آنجمله افغانستان، تکیه‌گاه اصلی و واقعی همبستگی اجتماعی دیموکراتیک هستند.

در مقدمه میثاق حفظ و توسعه تنوع بیان‌های فرهنگی سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) تنوع فرهنگی را خصوصیت متمایز جامعه بشری حساب نموده به آن مقام مهمی از ارزش‌های انسانی، قایل می‌گردد.

- آیا گفته می‌توانیم که کردارها، طرز تفکر و روش حیات در همه کشورها، در همه جوامع و در همه شهرها و قریه‌ها یکسان هستند؟
- آیا حق داریم بگوییم که خوبی‌ها، ارزش‌ها، خوردنی‌ها و طرز حیات یک جامعه بر جامعه دیگر در عین کشور و یا بیرون از کشور بهتر هستند؟
- آیا می‌توانیم ثابت کنیم که نژادی بر نژاد دیگری از لحاظ صورت و یا شکل فیزیکی، عقلانی و زبانی برتری دارد؟
- آیا لباس‌ها و خانه‌های مردم در یک کشور یکسان هستند و یا اینکه تفاوت دارند و نظر به ضرورت محیط و حاصلات محل که دانش ساختن و پوشیدن آن در طول قرن‌ها از طرف مردم آن محل کسب گردیده، ظاهر شده‌اند؟

شاید خیلی تعجب آور نباشد که در تاریخ مرادفات انسانی، اکثر گروه‌های قومی و یا نژادی بیش از آنکه تحت تأثیر شباهت‌های خود با دیگران قرار گیرند، متوجه تفاوت‌های خود با آن‌ها شده‌اند و به این عقیده بودند که اگر دیگران با ما تفاوت دارند، پس آنها قاعدتاً دون مرتبه از ما هستند. این نوع طرز دید نه ارزش معنوی دارد و نه اهمیت انسانی. آنچه اهمیت دارد و درست هم است اینست که گروه‌های قومی و نژادی از هم متفاوت‌اند اما از نظر مقام انسانی با هم برابر هستند، لذا حقوق مساوی دارند.

دانشمندان انسان دوست می‌گویند: "گاهی باید عینک فرهنگی خود را برداریم، تا بتوانیم شیوه‌های زندگی اقوام مختلف را عاری از تعصب مشاهده کنیم."

با آنکه کسب اطلاعات بر دیگران، گاهی به دید دوستانه از مردم دیگر منجر نمی شود، ولی بهتر است روابط خود با سایر مردم را به جای جمل بر دانش استوار کنیم. آنچه لازم است اینست که در ارائه معلومات بر دیگران باید تأکید بیشتر بر انسانیت مشترک همه ملت ها در جهان و همه اقوام در کشور ما گردد.

به استناد تأریخ، افغانستان کشور صاحب فرهنگ و دارای تنوع فرهنگی و ارزش های معنوی عظیمی است که در یک دور تأریخ منتهی نمی گردد. ضمناً تنوع و تفاوت های فرهنگی مردم افغانستان که از آنها باید خوشنود باشیم، یکی از ارزش ها و اصل های بزرگی است که در وحدت ملی همبستگی اجتماعی، شناخت هویت ملی افغانی و پیاده نمودن روش های دیموکراتیک و توسعه اقتصادی نقش اصلی و اساسی دارند.

کشور ما تأریخ چند هزار ساله دارد که در این مدت دستخوش خوبی های فرهنگی و بدی ها قرار گرفته است. در ادوار مختلف تأریخ کشور ما فرهنگ های شایسته در این سرزمین پیدا شده و ضمناً با در نظر داشت موقعیت جغرافیایی آن یا این که فرهنگ های مردم و جهان دیگر که سابقاً زاده مردم افغانستان نبودند به افغانستان انتقال نموده اند و در این سرزمین به درجه عالی فرهنگی ارتقاء نموده اند و یا این که در هنگام تهاجمات متعدد، فرهنگ های مردمان بیرون توسط مهاجمین به افغانستان انتقال نموده اند، گاهی جانشین فرهنگ های محلی گردیده و اکثراً با فرهنگ های محلی یکجا گردیده، فرهنگ تازه ای به وجود آمده است.

با ارتباط موقعیت جغرافیایی افغانستان باید گفت که علاوه از تحکیم و یا انتقال فرهنگ های محلی، مردم این سر زمین در انتقال غنای علمی و فکری مردم دیگر کشور ها چه از طریق تماس های تجارتي، تهاجمات و یا مسافرت های دسته جمعی خدمت نموده اند. همچنان دیگر کشور ها خاصتاً کشور های همسایه که در طول تأریخ از آن کشور ها به افغانستان مسافرت نموده اند، در غنای فرهنگی مردم افغانستان نیز سهم قابل ملاحظه گرفته اند.

این نوشته متضمن این مطلب است که مردم افغانستان متشکل از اقوام متعددی هستند که در طول تأریخ یا به صورت دائم در این کشور مستقر بوده اند و یا این که از کشورها و محلات خارج سرحدات امروز افغانستان به این سرزمین مهاجرت نموده و امروز مردم شایسته، دارای تنوع فرهنگی محلی با همه شایستگی ها، خصوصیات متمایز جامعه افغانستان را تشکیل داده اند.

چون که تنوع فرهنگی میراث مشترک همه افغان ها است، باید برای حفظ منافع عمومی به آن احترام گذاشت و از تعدد و تنوع فرهنگی مردم افغانستان در بزرگی فرهنگی، همبستگی اجتماعی و اساسات دیموکراسی واقعی بر مبنای احترام به همه، استفاده نمود.

تنوع فرهنگی در افغانستان، با ایجاد دنیای نو، متحرک و در حال تحول سریع و متنوع، دامنه اختیارات و امیدها را گسترش می دهد و ظرفیت های انسانی و ارزش های مردم افغانستان را تقویت می کند و به همین دلیل در صورت استفاده معقول و با فضیلت با ارائه برنامه های علمی و فرهنگی سرچشمه رشد متداوم اجتماعات مردم افغانستان را میسر می سازد.

تنوع فرهنگی مردم افغانستان که دارای شایستگی های صاحبقدر انسانی هستند، اسباب تقویت اساسات دیموکراسی، همبستگی ملی و اجتماعی، تحمل و بردباری، عدالت اجتماعی و احترام متقابل بین مردم و اقوام مختلف و محلات

افغانستان می شود. برای تقویت صلح و امنیت، حقوق بشر و شناخت و احترام به یک دیگر در سطوح محلی و ملی ضروری به حساب می آید.

گفتار نهایی:

فرهنگ به صورت روشن یک عرصه مهم شکوفایی است، قلمروی است که در آن نبوغ خاص یک ملت یا یک فرد، بهترین مجال بروز پیدا می کند، اما مشروط بر آنکه وسیله ای به بازپس نگری به هویت موهومی نباشد و خاطره یی شود، تحرک آمیز به سوی آینده، آینده پر از امید و سرشار و برخوردار از عقل و دانش و ضمناً به طور متداوم، خاطره ای باشد که هر شخص در ارتقاء و تعالی فرهنگی دسترسی و سهم داشته باشد.

اگر تأریخ درد آور سال های نه چندان دور کشور ما درسی برای ما داشته باشد، این درس آن است که باید از تنوع و تفاوت های فرهنگی مردم افغانستان خوشنود باشیم و از آنها درس زندگی در راه برابری، عدالت اجتماعی، همبستگی، دیموکراسی، وحدت نه تنها قبول احترام به دیگران بلکه عمل احترام به همه، بگیریم و بنیان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور خود را مبتنی بر بردباری و سازگاری متقابل افزایش دهیم.

امروز زندگی افغان ها، در هر واحد قومی و فرهنگی ای که قرار دارند، در مقطع زمانی مورد بحث و مطالعه قرار می گیرد که بین حقوق و وجایب شان آنچه در قانون اساسی افغانستان به آنها سپرده شده، باید توازن بر قرار گردد. اما این توازن فقط در صورتی از طرف همگان پذیرفته خواهد شد که برابری همگان را در پی داشته باشد و این به نوبت خود احترام کامل به آزادی و حرمت تمامی فرهنگ های محلی و عنعنه های شان را ایجاب می نماید. کوتاهی در این امر حتماً اسباب مشکلات جدی امنیتی، اجتماعی و اقتصادی را تولید می نماید.

حرمت به روش حیات دیگران و پذیرفتن تنوع فرهنگی در کشور ما وسیله و بهانه حذف دیگران نیست، بلکه پیشنهادی برای سهیم شدن با دیگران و همبستگی است که حاصل آن اعتلا و ارتقای فرهنگ مشترک مردم افغانستان می باشد و حتماً جامعه افغانستان را به سوی مزایای انسانی رهنمایی می نماید.

پایان قسمت دوم و آخر